

## اخلاق پژوهش

دکتر احد فرامرز قرا ملکی<sup>۱</sup>

تهیه و تنظیم: حسین طاهری وحدتی<sup>۲</sup>

### چکیده

اخلاق مسئله اول و فراگیر جامعه انسانی است. سعادت انسان‌ها، محصول یک اخلاق کامل و خوب است. مهم‌ترین دغدغه پیامبران، اولیای الهی، حکیمان و فلاسفه، زیست اخلاقی انسان است. اخلاق به موازات تحول در چرخه تفکر و دستاوردهای علمی بشر، با چالش‌های تازه‌ای مواجه می‌شود. نوشتار پیش رو، حاصل یک نشست علمی است که استاد دکتر احد فرامرز قرا ملکی بحث اخلاقی مرتبط با مدیریت پژوهش را در جمع صمیمی دوستان پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی در تالار شیخ طوسی بنیاد، مطرح کرده است. تأکید نخست ایشان در این نشست، بر نقش انگاره و ذهنیتی است که نسبت به اخلاق، به ویژه اخلاق در پژوهش وجود دارد و این انگاره در واقع نوع مواجهه ما را با مسائل اخلاقی و همچنین اثربخشی آن تعیین می‌کند. نکته برآمده از مهم بودن مقوله اخلاق، مرجح بودن برخورد اخلاقی با بداخلاقی‌های اجتماعی است که در این خصوص پژوهش‌های کاربردی، می‌توانند کارگشایی کنند و برخورد قانونی را (که چه بسا آسیب‌پذیر باشند) به تأخیر بیندازند و جامعه از طریق اخلاق که ماندگار است، به اهداف خود برسند.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق، مدیریت پژوهش، انگاره اخلاقی، اخلاق پژوهش، اخلاق کاربردی.

۱. استاد دانشگاه تهران.

۲. پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه اخلاق و تربیت اسلامی.

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۷ - پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳

## مقدمه

در ابتدا این تذکر لازم است که منظور از اخلاق در این جلسه، اخلاق مصطلح نیست، بلکه ما در واقع یک نشست علمی داریم. لازم است قبل از ورود به موضوع، دو مسئله را از هم جدا کنیم:

۱. انگاره یا صورت خیالی که یک تابلوویک نقاشی است؛ یعنی مفهومی که ما از پدیده‌ها و اشیا در ذهن داریم.

۲. مقوله تعریف که در منطق اقسامی برای آن ذکر شده، با ضوابطی که مقرر شده است.

انگاره‌ها پنهان است؛ اما سخت تأثیرگذار است. فرمان دآوری‌ها و کنش‌های ما بیشتر مرتبط با همان نقاشی‌هایی است که در ذهن ما ایجاد می‌شود. به همین سبب توصیه شدیم که این انگاره‌ها روی کاغذ بیاید. به عنوان مثال از خود پرسیم که از پژوهش چه تصویری در ذهن ما وجود دارد؟

میان حرفه پژوهش و اخلاق، ارتباط دوسویه وجود دارد:

۱. یک سوی ارتباط، اخلاق پژوهش است با سه مشخصه:

۱. اخلاق در فرایند پژوهش ۲. اخلاق مؤسسات پژوهشی ۳. اخلاق تعامل پژوهشگران

با هم. این سوی اخلاق سبب ارتقای رشد و سلامت آن می‌شود.

۲. سوی دیگر، نیاز توسعه اجتماعی به پژوهش‌های اخلاقی است؛ خدمتی که

پژوهش به اخلاق می‌دهد.

## تصویر ۱



نیاز جامعه به اخلاق سبب شده است پژوهش های بسیاری در دنیا انجام شود، به گونه ای که ما امروز دیگر علم اخلاق نداریم، بلکه علوم اخلاق داریم. حداقل چهار علم عمده اخلاق هست که هر یک شاخه های مختلف دارند:

### ۱. فرا اخلاق

فرا اخلاق یعنی تحلیل های منطقی و فلسفی از مبانی علم اخلاق. مفروض این است که علم اخلاق دارای مکاتبی بوده که رشد داشته است؛ در نتیجه مبادی تصویری و تصدیقی دارد. فرا اخلاق<sup>۱</sup> یک دانش فلسفی است که به فلسفه اخلاق نیز تعبیر می شود. تحلیل این مبادی، ما را به فرا اخلاق نیازمند می کند.

### ۲. دانش اخلاق هنجاری<sup>۲</sup>

دانشی که درباره قواعد کلی اخلاقی بحث می کند. رویکرد فلاسفه به این دانش، تحلیلی است. به این، فلسفه اخلاق هم گفته می شود؛ مانند مباحث الفاظ منطق و

1 . Meta-ethics.

2 . Normative ethics.

اصول که عام است و به زبان و موقعیت خاصی مقید نیست؛ مانند اخلاق پژوهش، اخلاق تدریس، اخلاق کشاورزی و اخلاق پرستاری.

### ۳. اخلاق کاربردی<sup>۱</sup>

مراد از اخلاق کاربردی، هنجاری کاربردی است که نمونه‌های آن ذکر شد. قید کاربردی برای این است که برخی گمان می‌کنند که اخلاق کاربردی، اخلاق هنجاری<sup>۲</sup> نیست، ولی همان است. اخلاق کاربردی، اخلاق هنجاری است در موقعیت معین (قراملکی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۹). بعضی‌ها گفته‌اند: اخلاق کاربردی کاربرست انتقادی اخلاق هنجاری است در موقعیت معین.

تفاوت اخلاق هنجاری با اخلاق کاربردی با یک مثال آشکار می‌شود: ما دو دانش داریم به نام روان‌شناسی<sup>۳</sup> و روان‌درمانی<sup>۴</sup> که با هم متفاوت هستند. دامنه دانش روان‌درمانی وسیع‌تر از روان‌شناسی است؛ زیرا روان‌درمانی باید به مسائل روانی در یک موقعیت خاص بپردازد و این موقعیت خاص با دانش‌های دیگر مرتبط می‌شود؛ مثلاً پژوهش در اخلاق مدیریت، بدون آگاهی از این دانش میسر نیست؛ زیرا با این فرض، اخلاق با مسائل سازمانی پیوند می‌خورد. همچنان اگر مسئله تحقیق، اخلاق مدیریت اقتصادی باشد، در این صورت به دانش اقتصاد هم مرتبط می‌شود. این همان اخلاق کاربردی است که دانشی میان‌رشته‌ای است و لازم است در اخلاق کاربردی، احاطه بالایی در دانش‌های اسلامی داشته باشیم.

در اخلاق کاربردی که یک دانش است، مانند روان‌درمانی، علاوه بر دانش، مهارت نیز لازم است. بنابراین اخلاق هنجاری، اخلاق کاربردی است مانند منطبق که یک بُعد

---

1 . Applied ethics.

۲. هنجاری یعنی ضابطه‌مندی؛ مثل منطق که علم ضابطه‌هاست .

3 . Psychology.

4 . Psychotherapy.

دانشی دارد و یک بُعد مهارتی که کاربرد آن را آسان می‌کند.

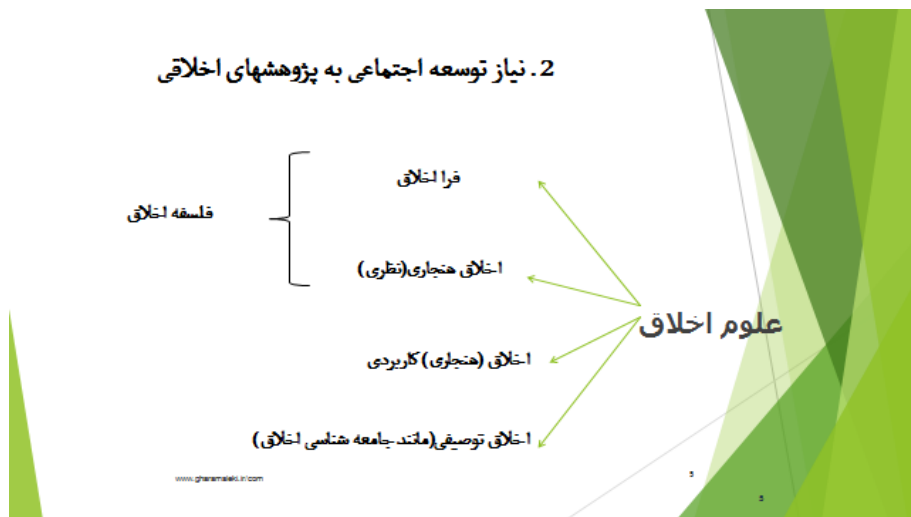
### فرق دیگر میان اخلاق کاربردی و اخلاق هنجاری

اخلاق هنجاری مضاف نیست؛ اما اخلاق کاربردی مضاف است؛ مانند: اخلاق ورزش، اخلاق پزشکی، اخلاق پژوهش و اخلاق پرستاری. معنای اضافه این است که دانش اخلاق کاربردی، دارای شاخه‌های گوناگونی است.

### ۴. دانش اخلاق توصیفی<sup>۱</sup>

این دانش نوعی بررسی پسینین اخلاق است؛ مانند اینکه گروه‌های اجتماعی دارای چه خصوصیات اخلاقی هستند. دانش توصیفی از الزامات اخلاقی بحث نمی‌کند. جاحظ از کسانی است که به این گونه اخلاق علاقه مند بود. او در واقع نوعی گرایش جامعه‌شناسی اخلاق داشت. او می‌خواست بداند که شرائط اقلیمی چه تأثیری در خلق و خوی آدم‌ها می‌گذارد. او در واقع یک نوع جامعه‌شناسی جغرافیایی اخلاق را دنبال می‌کرد.

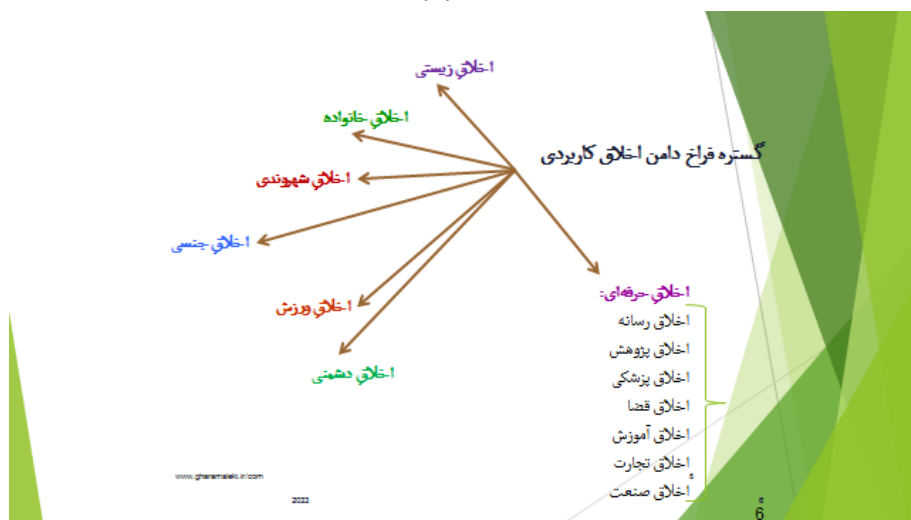
### تصویر ۲



1. Descriptive ethics.

ما در اینجا به شاخه‌های قسم سوم از دانش‌های اخلاقی می‌پردازیم. اخلاق پزشکی را در نظر بگیرید. این اخلاق شاخه‌های گوناگونی دارد؛ مانند: اخلاق آموزش پزشکی، اخلاق پژوهش‌های پزشکی، اخلاق درمان، اخلاق مدیریت درمان. هریک از این دانش‌ها ضرب در علوم مربوط می‌شود که شاخه‌های متعددی از علوم را به وجود می‌آورد؛ مانند اخلاق دندان پزشکی.

### تصویر ۳



پرسش من این است: ما چقدر توانسته‌ایم به سؤال‌ها و نیازها در عرصه اخلاق پاسخ بدهیم؟ به یک نمونه توجه کنید: پدیده داوری علمی. آیا این پدیده به حق الناس مرتبط نمی‌شود؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید که این داوری با حقوق مادی و معنوی چقدر از آدم‌ها ارتباط دارد؟ در مورد داوری علمی اخلاقی از منظر قرآن و روایات چند تحقیق علمی شده است؟

نمونه دیگر، داوری ورزشی است؛ مثلاً ممکن است سوت یک داور، شهری را با مشکل جدی روبه‌رو کند! غرض از این نمونه‌ها، یادآوری اهمیت پژوهش در اخلاق در عرصه‌های مختلف است. شما اگر سایت‌های مختلف جهانی را جست‌وجو کنید، ممکن است با میلیون‌ها صفحه در موضوع مهربانی با خود و شفقت بر نفس مواجه

شوید! حال بررسی کنید در زبان فارسی چقدر در این موضوع کار شده است؟

### نتیجه: دوسویه بودن نیاز در اخلاق و پژوهش

نیاز پژوهش به اخلاق بسیار مهم است و اخلاق نیز به پژوهش نیاز اساسی دارد. چرا در پژوهش به اخلاق نیاز داریم؟ پاسخ این پرسش را با یک اسلاید می‌دهم.

تصویر ۴



این دست‌ها در واقع دست‌های فرد فرد پژوهشگران است که به عنوان مثال عضو بنیاد پژوهش‌ها هستند؛ گویا: ۱. طنابی نامرئی سرنوشت همه پژوهشگران را به لحاظ ثمر بخشی پژوهشی و آموزشی، به هم دوخته است.

۲. به لحاظ سلامت روانی هم این ارتباط میان پژوهشگران هست؛ ارتقای سلامت روانی جمعی، سبب افزایش بازدهی همه است؛ چنان که بی‌اعتمادی، همه را دچار آسیب می‌کند.

۳. در جایگاه اجتماعی نیز هم سرنوشت هستند.

۴. هم سرنوشتی در ارتباط معنوی با هم و با مخاطبان.

۵. هم سرنوشتی در پرند و اعتبار حرفه‌ای.

۶. هم سرنوشتی نسبت به درآمد. مثلاً تصور کنید در شهر مشهد شهرداری نیازهای

بسیاری در عرصه فرهنگ به پژوهش دارد؛ چند تای آن را به بنیاد پژوهشهای اسلامی پیشنهاد داده است!

## نیاز به ارتباط مستمر اخلاقی

با این فرض، ارتباط فوق امری کاملاً ضروری است و نیاز به اخلاق پژوهش هم روشن است. حال باید ببینیم چه تصویری از پژوهش و اخلاق داریم؟ ابتدا این پرسش را مطرح می‌کنم که برداشت شما از وضعیت اخلاقی جامعه چیست؟ می‌توان از ابعاد گوناگون به این سؤال پاسخ داد؛ مثلاً اخلاق کار، اخلاق تولید، اخلاق داد و ستد، اخلاق اداری، اخلاق بهداشت، اخلاق محیط زیست. به نظر می‌رسد اخلاق جامعه ما به ویژه اخلاق سازمانی، با مشکلات اساسی مواجه شده است. ساده‌ترین تعریف اخلاق، پاسخ‌گویی است. بر اساس تحقیقات انجام شده، در کشور ما، نرخ پاسخ‌گویی بسیار پایین است؛ به عنوان مثال طبقه پزشکان تلاش زیادی دارند، اما پاسخ‌گو نیستند. همچنین دیگر گروه‌های اجتماعی.

مقوله انگاره‌ای که در ابتدای بحث به آن اشاره کردم جای بحث فراوان دارد و یکی از شیوه‌های بزرگان دین ما در رساندن پیام دینی در سنت اسلامی و قرآنی، ساختن انگاره‌های مثبت است. به عنوان مثال، برای نشان دادن ارزش مهمان، از وی به حبیب خدا تعبیر شده است.

## مشکل اخلاقی در سازمان‌ها

به صورت فی‌الجمله می‌توان ادعا کرد در برخی از شئون کشور، از جمله مواردی که به سازمان‌ها مرتبط است، ما با مشکلات جدی اخلاقی مواجه هستیم؛ سؤال این است: چرا مدیران سازمان‌ها در برابر چنین خلاف‌هایی عکس‌العمل تأثیرگذاری ندارند، اما نسبت به افزایش یا کاهش تولید و فروش حساسیت نشان می‌دهند؟ همچنین در سطح کلان اجتماع به رغم معضلات و مسائل اخلاقی، کاری انجام نمی‌گیرد؟ ما هم به عنوان پژوهشگران چه کار مؤثری در رشد اخلاقی کشور کرده‌ایم؟

من علت این سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی را همان انگاره می‌دانم. به تعبیر دیگر، علت در



واقع ذهنیت مدیران نسبت به اخلاق است. من تحقیقی انجام دادم تا این ذهنیت را نشان بدهم؛ تحقیقی امپریکال<sup>۱</sup> از جنس تحلیل انگاره‌ها<sup>۲</sup> که منظور تحلیل انگاره‌ها است. از فراوانی شروع می‌کنم.

### انگاره اول: پندانگاری

بالاترین نقاشی از اخلاق، همین انگاره است. حدود هفتاد و اندی درصد مدیران ما انگاره و ذهنیت آنها از اخلاق این است: مثنی پند و اندرز؛ توضیح اینکه من منکرپند و موعظه نیستم؛ اما همه اخلاق این نیست. سؤال این است:

۱. چنین انگاره‌ای از اخلاق چقدر برای مخاطب جذابیت دارد تا برای آن زمان بگذارد؟
۲. اگر به پژوهشگری بگویند یک پژوهش اخلاقی انجام بدهد و او با همین نقاشی که از اخلاق دارد کاری انجام بدهد، حاصل تحقیقش بیشتر نصیحت است.
۳. اگر ذهن مدیریک سازمان نسبت به اخلاق این گونه باشد، حاضر است نسبت به اخلاق سرمایه‌گذاری کند؟

حال ادعا می‌کنم که یکی از علت‌های رشد نیافتگی اخلاق در کشور، همین انگاره نادرست از اخلاق است؛ زیرا مدیران به فکر همه چیز برای رشد سازمان‌های کسب و کار هستند به جز اخلاق که در واقع غایب بزرگ در مجموعه سازمان‌هاست.

### انگاره دوم: زیورانگاری

برخی از مدیران به اخلاق به عنوان یک امر تزینی نگاه می‌کنند؛ از این رو منشور اخلاقی را به صورت تابلو به دیوار می‌آویزند. مولوی این انگاره نادرست را در دفتر ششم در قالب عشقِ شوهر پیدا کردنِ زنی نود ساله، با زبان طنز به چالش کشانده است.<sup>۳</sup>

1 . empirical.

2 . Analysis of images.

۳. بنگرید به: مولوی، جلال‌الدین محمد، **مثنوی معنوی**، دفتر ششم، بخش ۴۲، داستان آن کمپیر (پیرزن) که شروع آن این است: بود کمپیری نود ساله کلان / پرتشنج روی و رنگش زعفران ...

## انگاره سوم: سُرُسره‌انگاری

برخی اخلاق را سُرُسره و ترمز می‌دانند و معتقدند اگر پای اخلاق در میان باشد، سازمان از پیشرفت عقب می‌ماند؛ زیرا اخلاق تعهداتی را برای سازمان به وجود می‌آورد که با سوددهی سازگار نیست.

## انگاره چهارم: فرصت برتری رقابتی

این انگاره را دیوید فورد،<sup>۱</sup> نویسنده کتاب مدیریت استراتژیک<sup>۲</sup> مطرح کرده است که می‌تواند دووجهی باشد؛ هم به سودانگاری منتهی شود و هم این گونه نباشد.

## انگاره پنجم: طب‌انگاری

این انگاره ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «طیب دَوّار بطبّه»؛ پیامبر طیبی بود که در متن جامعه انسانی به دنبال درمان روح و روان انسان‌ها دور می‌زد. در این تصویرسازی، دانش اخلاق به منزله دانش پزشکی دانسته شده است که دانش تشخیص و پیشگیری مشکلات اخلاقی است.

### تصویر ۵



1 . David Ford.

۲. ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابیان.

## سخن علم اخلاق در پژوهش

هدف اخلاق در پژوهش دو چیز است: ۱. تشخیص مشکل و مسئله؛ ۲. پیشگیری از انحراف و در نهایت، بهبود وضعیت اخلاقی.

حال این سؤال را مطرح می‌کنیم: کدام یک از این انگاره‌ها می‌تواند بهتر به حل مشکلات اخلاقی کمک کند؟ قطعاً انگاره پنجم است؛ زیرا کاربردی و حمایت‌کننده است و اخلاق با این انگاره در دنیای کنونی در حال توسعه است.

در اصل با بد اخلاقی‌ها به دو صورت می‌توان مقابله کرد: ۱. مقابله قانونی. و ۲. مقابله اخلاقی. ما قطعاً کمبود قانون نداریم؛ اما همواره مواجهه اخلاقی تقدم دارد. این وجه در سیره شخص پیامبر ﷺ به وضوح دیده می‌شود؛ ضمن آنکه تمام نظریه‌های رشد اخلاقی این شیوه را اثبات کرده‌اند، ولی متأسفانه در کشور ما به عکس این سیره و سنت عمل می‌شود و ما شیپور را از طرف گشاد آن می‌زنیم. این زمینه فساد را بیشتر فراهم می‌کند؛ چون با رشوه دادن قانون را دور می‌زنند و این چرخه موجب می‌شود تکنولوژی رشوه دادن هم تغییر کند.

## جایگاه مواجهه اخلاقی با ناهنجاری‌ها

این مواجهه به دانش اخلاق کاربردی میان‌رشته‌ای مربوط می‌شود که براساس قرآن، روایات و سیره نظم پیدا می‌کند. این مواجهه باید مردم‌سالارانه باشد. در سازمان‌ها غیر از کمیته انضباطی، یک شورای راهبردی اخلاق تعیین می‌کنند. اعضای این شورا هم از افراد موجه و پیشکسوت که در اخلاق به نیکی از آنها یاد می‌شود، انتخاب می‌شوند. البته شاید این پرسش در ذهن دوستان باشد که آیا فضاهاى اخلاقى به صورت كمى سنجش پذیر است؟ پاسخ مثبت است. می‌توانیم با کاربرست شیوه‌هایی ظرفیت و دامنه امانت‌داری افراد را تشخیص بدهیم؛ مثلاً بگوییم فلان فرد برای پست مسئول صندوق در یک بانک مناسب است، اما برای ریاست شعبه مناسب نیست.

امروز در دنیا از این روش‌ها استفاده می‌کنند؛ مراکزی هست که در آنها اخلاق سنجی صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> مبالغ‌گرافی هم برای این کار دریافت می‌کنند. نتیجه آنکه حوزه اخلاق، به صورت جدی به پژوهش نیاز دارد. چندی است در حوزه علمیه قم در این خصوص کارهایی انجام شده است؛ از جمله تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه است که در زمینه سنجش‌پذیری فضایل اخلاقی و مفاهیم دینی کار می‌کند.

### تعریف اخلاق

تعریف‌های فراوانی درباره اخلاق هست که من یک تعریف ساده را می‌خواهم مطرح کنم. اخلاق یعنی: سبک و رفتار ارتباطی و رعایت حقوق طرف این ارتباط. به تعبیر دیگر، اخلاق رعایت حقوق دیگران در محیط ۳۶۰ درجه است. این تعریف برگرفته از محتوای رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام است. با این توضیح: کسی از امام می‌خواهد وظایف اخلاقی او را تشریح کند، ایشان چند کار اساسی را انجام دادند:

۱. به این سؤال به صورت مکتوب پاسخ دادند.

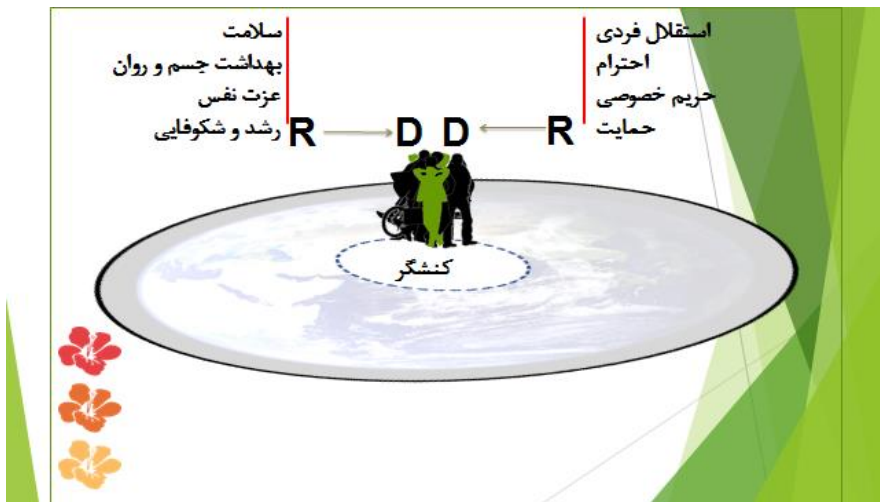
۲. این فرد را به عنوان یک کُنشگر فرض گرفتند که من در تصویر، این فرد را وسط این میدان ۳۶۰ درجه قرار داده‌ام و هرکس در این میدان هست، صاحب حق تلقی شده است. این یک انگاره است. البته مفهوم غربی ذی‌نفعان نیست؛ بلکه مفهوم اسلامی صاحبان حق است؛ به عنوان مثال همسایه انسان ذی‌نفع نیست، اما ذی‌حق است. امام علیه السلام در این دایره، همه افرادی را که به گونه‌ای در انسان تأثیر و تأثر دارند، صاحب حق می‌دانند.

ابتدا حقوق خدا و بعد خود انسان مطرح می‌شود و این حقوق به وظایف تبدیل می‌گردد. همچنین حقوق دیگران که همه اینها، حوزه مسئولیت انسان را در لایه‌های مختلف مشخص می‌کند. این مدل اخلاقی امام علیه السلام متأسفانه تا دوره علامه مجلسی، مورد غفلت بوده است. ایشان آن را در واقع کشف می‌کند و جلد ۷۱ بحار الانوار که تا اواسط جلد ۷۳ کتاب العشره است، با این رساله شروع می‌شود. ما تعریف اخلاق را بر

1. Ethical assessment centers.

اساس این مدل اخلاقی گرفتیم که گلوبال<sup>۱</sup> هم شده است.

تصویر ۶



## اخلاق پژوهش

بر اساس این تعریف می‌خواهیم اخلاق پژوهش را بررسی کنیم. دو نگاه در این باره وجود دارد:

۱. نگاه فردگرایانه که به اخلاق پژوهشگران و اعضای هیئت علمی مربوط می‌شود.
  ۲. نگرش سیستمی که به اخلاق مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها می‌پردازد.
- اکنون این سؤال را مطرح می‌کنیم: کدام یک از این دو نگاه اهمیت بیشتری دارد؟ در دنیای امروز حرفه‌ها در سازمان‌ها هستند و به نوعی سلطه سازمان‌ها جانشین سلطه اشخاص شده است؛ یعنی همان نگرش سیستمی که عبارت است از اخلاق مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی. گاهی بد اخلاقی‌های افراد سازمان، ریشه در آیین‌نامه‌ها دارند. در اینجا فقط یک نمونه را مثال می‌زنیم: وقتی می‌گوییم اخلاق پزشکی، آیا منظور اخلاق پزشکان است، یا منظور اخلاق بیمارستان است؟ قطعاً منظور رویکرد دوم است؛ یعنی نگرش سیستمی به اخلاق در این حرفه؛ به این معنا که اگر بیمارستان اخلاقی

۱. اصطلاح کلی به معنای قلمرو بسیار گسترده، برخلاف محلی. global.

نباشد، پزشک و پرستار هم نمی‌تواند اخلاقی باشد.

## حوزه‌های سه‌گانه اخلاق پژوهش

### ۱. خدمات پژوهشی

در بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بخش مهمی از کارها خدمات پژوهشی است؛ از جمله رازداری و احترام به محقق.

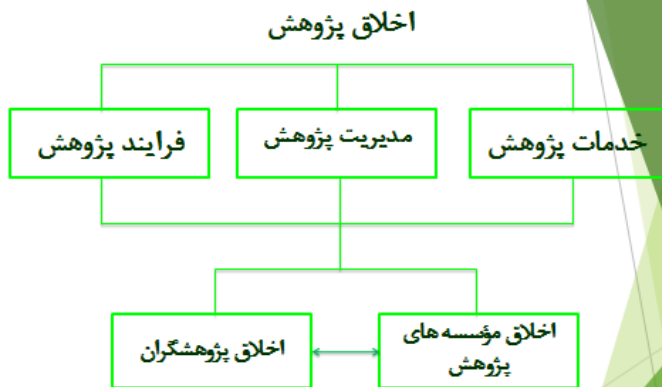
### ۲. مدیریت پژوهش

در تمام مؤسسات پژوهشی، مدیریت نقش اساسی دارد؛ اعم از رئیس، هیئت مدیره و دیگر عناصر دخیل.

### ۳. فرایند پژوهش

هریک از این اقسام در دو ضرب می‌شود؛ زیرا دو عامل انسانی و خود مؤسسه وجود دارند که در این سه حوزه تأثیرگذار هستند.

تصویر ۷



بحث را از فرایند پژوهش شروع می‌کنیم. به این مثال دقت کنید: من برای بررسی وضعیت اخلاقی پلیس راهور دعوت شده بودم؛ نخستین سؤال من این بود که حقوق

ماه‌یانه افراد چگونه است؟ مسئول مربوط گفت: حقوق به میزان قبض‌های جریمه سالانه بستگی دارد! گفتم: اگر این را به کاهش تصادفات در محورها تبدیل کنید چقدر این کار اخلاقی می‌شود! مثال زدیم که اگر مأموران شما برای صید تخلف در پناه پیچ‌ها کمین کنند، چه اتفاقی می‌افتد؛ رانندگان حرفه‌ای دست شما را می‌خوانند؛ اما رانندگان شهری و سیاحتی ممکن است با دیدن مأموران به ناگاه ترمز کنند و حادثه بیافرینند؛ ولی چنانچه قبل از پیچ مستقر شوند، گویا دارند راهنمایی می‌کنند که احتمال خطر در نزدیکی رانندگان است.

مثال دوم ممیزی اخلاقی پاداش سالیانه کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. در یک بررسی اعلام کردم که عمل به آن، موجب افزایش ربا و چاپلوسی است؛ زیرا شاخص در آن فقط رضایت مدیر بود. این فرایندها و آیین‌نامه‌ها بسیار مهم هستند. شما باید بررسی کنید که پژوهش‌های بنیاد، اخلاقی بودن را در فرایندهای مختلف پژوهش، ارزیابی، داوری، انتشار و... آسان می‌کند یا موجب سخت شدن آن می‌شود.

من پیشنهاد می‌کنم که برای بنیاد پژوهش‌های اسلامی یک مشاور ممیز اخلاق تعیین شود تا یک دوره ممیزی اخلاقی در همه فرایندهای پژوهش انجام شود تا مشخص شود که این فرایندها راه را بر روی بد اخلاقی‌ها می‌بندد یا آن را آسان می‌کند؛ زیرا گاهی این فرایندها زمینه را برای تزییع حقوق فراهم می‌کند و گاهی هم مستلزم پنهان‌کاری است که یک عمل غیر اخلاقی است.

### روش‌های ممیزی

مباحث بسیاری در این خصوص هست که به سبب کمی فرصت به بخشی از آنها اشاره می‌کنم:

### پژوهش چیست؟

پژوهش یک فعالیت جمعی است، نه فردی و گسیخته. به عبارت دیگر، پژوهش یک فرایند است که دارای مراحل است که شکل‌گیری آن، یک پژوهش مطلوب و تأثیرگذار را

به دنبال خواهد داشت.

## ۱. ایده‌یابی

نخستین گام پژوهش، ایده‌یابی است و ایده خوب مساوی است با پژوهش خوب. ممکن است کسی اهل فضیلت و دانش باشد، اما ایده خوبی نداشته باشد. در همین مرحله احتمال شکل‌گیری دو بیماری اخلاقی وجود دارد:

۱. سرقت ایده از دیگران؛ مثلاً پژوهشگری در یک جا حسب گفت‌وگو، ایده‌ای را مطرح می‌کند، فرد دیگری بلافاصله آن را می‌قاپد؛ این سرقت ایده است.

۲. یکی از وظایف اخلاقی مراکز پژوهشی و اساتید، کمک کردن به پژوهشگر است در امر ایده‌یابی، مانند کمک کردن استاد راهنما به دانشجو در پیدا کردن مسئله پژوهش؛ اما ممکن است افرادی باشند که چون خودشان فرصت تحقیق ندارند، از در اختیار گذاشتن ایده‌های خوب به دیگران به ویژه پژوهشگران جوان و با انگیزه، بخل بورزند.

## ۲. تبدیل ایده به نقشه

نقشه یا پروپزال، مهم‌ترین مرحله فرایند پژوهش است. این مرحله رخنه‌های اخلاقی بسیاری دارد که فعلاً فرصت طرح آنها نیست.

## ۳. گردآوری داده‌ها

در این مرحله نیز ما با مشکلات جدی اخلاقی روبه‌رو هستیم؛ از جمله: بی‌حوصلگی، شتاب‌زدگی، جعل کردن داده‌ها، ثبت داده‌های دیگران به نام خود. در این باره یک نمونه ذکر می‌کنیم؛ مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی می‌گفت که بعضی از نویسندگان به منابعی به صورت مستقیم استناد می‌کنند، در حالی که آن منبع، یک سند انحصاری در اختیار نویسنده اول است. این قضیه برای خود من اتفاق افتاده است که فلان نویسنده از منبعی مطلب نقل کرده است که نسخه انحصاری آن در اختیار من است!



#### ۴. تبدیل داده‌ها به اطلاعات

#### ۵. تحلیل داده‌ها و اطلاعات

بخشی از بداخلاقی‌های پژوهش مربوط به مسئله تحلیل داده‌ها و اطلاعات است.

#### ۶. تولید علم

تک تک این مراحل، جدای از مسائل فنی و تکنیکی، مسائل اخلاقی دارد؛ به عنوان مثال ارجاع درون‌متنی یا برون‌متنی بحث اخلاقی دارد؛ چکیده مقاله بحث اخلاقی دارد. برخی چکیده را جذاب می‌نویسند که تنها خواننده را جذب کنند؛ این یک عمل غیراخلاقی است، در حالی که یک چکیده اخلاقی باید به صورت صریح و شفاف نوشته شود تا خواننده را در یک فرایند تصمیم درست قرار بدهد که به اصل مقاله مراجعه کند یا نیازی به آن ندارد!

#### تصویر ۸



#### مدل رشد اخلاقی در یک مرکز پژوهشی

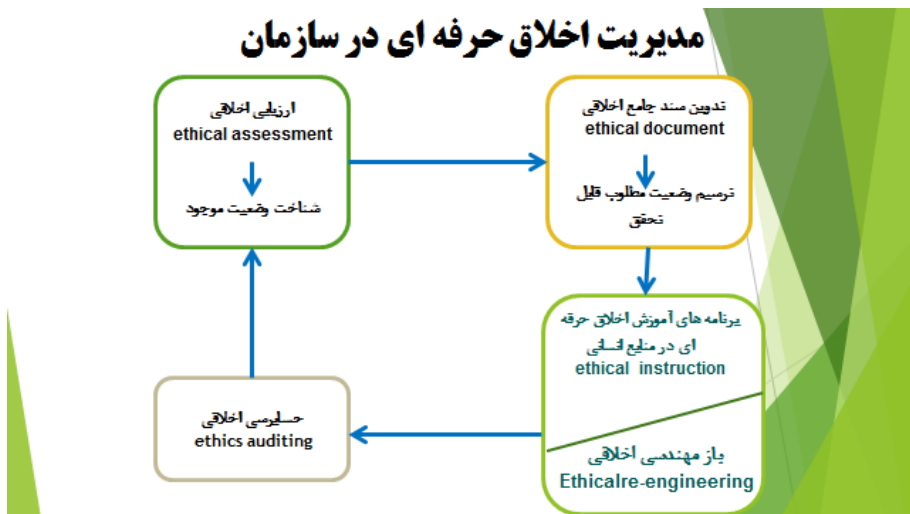
ارزیابی همه‌جانبه برای به دست آوردن وضعیت موجود اولین مرحله، شناخت تحلیلی است؛ چون رشد اخلاقی در واقع گذار از این وضعیت

به وضعیت مطلوب است و این شناخت اعم از نقص‌ها و مزیت‌هاست. شناخت تحلیلی حتی شامل وضعیت موقعیت مکانی سازمان نیز می‌شود.

دومین مرحله، تصویرسازی از وضعیت اخلاقی مطلوب است که تحقق‌پذیر باشد. در واقع نوعی واقع‌نگری است. از این طریق می‌توان برای سازمان چشم‌اندازی هم‌تدوین نمود. این بحث می‌تواند دو کارکرد متفاوت داشته باشد؛ اولاً برای ارتقای مثل بنیاد پژوهش‌های اسلامی مفید است. ثانیاً دوستان پژوهشگر می‌توانند به دیگر مراکز خدمات مشاوره‌ای ارائه نمایند. به یاد داشته باشید که: اخلاق در جامعه ما نیاز به پارگیری دارد نه منتقد! گرچه یک گام کوچک برداشته شود.

مرحله سوم، عبور از مرحله اول به دوم است با آموزش اخلاق حرفه‌ای اثربخش در منابع انسانی و از طریق بازمهندسی اخلاقی سازمان. چنان‌که مثال زدیم به جای تعداد قبض جرمه، تلاش کنیم تصادفات در محورهای حادثه‌خیز کاهش پیدا کند. مرحله چهارم، حسابرسی اخلاقی است.

تصویر ۹



مدل ایرانی مراحل شش‌گانه رشد اخلاق در سازمان

اول: دریافت نقاشی و ذهنیت افراد از یکدیگر، اعم از مثبت و منفی و به دنبال آن،

اصلاح و ترمیم.

دوم: انتقال دقیق اطلاعات اخلاقی؛ من اخیراً مغالطه‌ای را کشف کردم و اسم آن را گذاشتم اخذ علم اجمالی به جای علم تفصیلی. به گمان من این یکی از موانع اخلاقی در کشور است با این توضیح که: هر جا بحث اخلاقی مطرح می‌شود، می‌گوییم: «اینو که ما می‌دونیم»، اما آگاهی نداریم که این دانستن ما از نوع علم اجمالی است و ما برای مواجهه با مسئله، به علم تفصیلی نیاز داریم.

سوم: برای ایجاد فرهنگ اخلاقی، ایجاد خودانگیختگی اخلاقی لازم است. چهارم: مهارت‌های رفتار اخلاقی است؛ به تعبیر دیگر، رفتارهای اخلاقی تکنیک دارد؛ مثلاً وقتی فرد خشمگین می‌شود، چگونه باید این خشم را مهار کند. پنجم: بازمهندسی فرایند مهارت‌ها و نظام‌های حرفه‌ای.

ششم: حمایت حقوقی از اخلاق که آخرین مرحله مواجهه با بداخلاق‌هاست.

در این فرایند رعایت دو نکته اساسی لازم است:

۱. قانون باید مورد ممیزی اخلاقی قرار بگیرد؛

۲. شیوه‌های اجرای قانون هم ممیزی بشود.

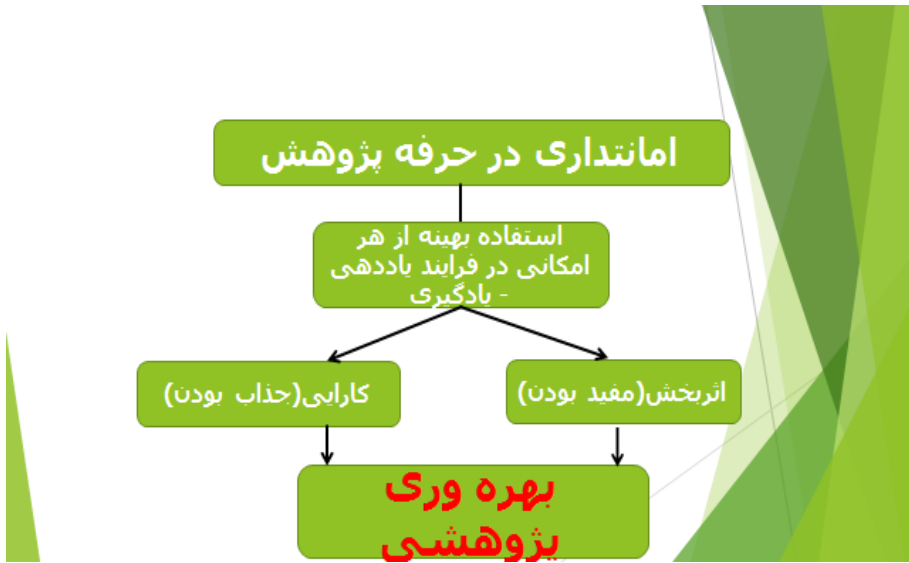
### امانت‌داری در پژوهش

این مفهوم در حرفه پژوهش با امانت‌داری حقوقی - اخلاقی در ودیعه تفاوت دارد و منظور ید امانی است که در فقه در مقابل ید ضمانی می‌باشد. چگونه می‌توانیم در پژوهش ید امانی داشته باشیم؟ استفاده بهینه از همه امکانات پژوهشی در فرایند تحقیق، به معنای رعایت ید امانی است. این مقوله چند شرط دارد:

۱. پژوهش‌ها در راستای اهداف مناسب و مورد نیاز باشد (اثربخشی پژوهش)

۲. رعایت شیوه‌های علمی در پژوهش (کارایی پژوهش)

۳. از حاصل تجمیع این دو شرط، «بهره‌وری» پژوهش شکل می‌گیرد.



### نکته پایانی

مشکل بهره‌وری در کشور ما، یک پدیده فراگیر است، به ویژه در امر پژوهش که با انگیزه‌های کسب درآمد و شغل انجام می‌شود؛ چنان که مقوله پژوهش‌های موظفی نیز امری مشمئزکننده است؛ زیرا پژوهش باید هدف اثربخشی داشته باشد. ما به اندازه‌ای که بهره‌وری نداریم، از اخلاق دور هستیم و نشانه اخلاقی زیستن، امانت‌داری به معنای عام آن است. یک مسئول و مدیر اگر در ایجاد بهره‌وری کم‌فروشی کند، بدون تعارف در امانت خیانت کرده است. می‌توان گفت بهره‌وری یک حق الناس بزرگ و مهم است!